

بغداد [۱۹۶۵]، چاپ افتت قم ۱۳۶۲ ش؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۹۹؛ محمدامین بن فضل الله محی، نفحۃ الریحانة و رشحة طلاء الحانا، چاپ عبدالفتاح محمد حلو، [قاهره] ۱۳۹۱-۱۳۸۷؛ علی خان بن احمد مدنی، سلافة العصر فی محسن الشعرا بکل مصر، مصر ۱۹۷۱-۱۹۶۷؛ علی خان بن احمد [بن تا]؛ عبد العظیم مهندی بحرانی، علماء البحرين: دروس و عبر، بیروت ۱۹۹۴/۱۴۱۴؛ زهرا نهادی /

جعفرین محمد، امام ← الصادق، امام

جعفرین محمدبن اسماعیل ← مصدق،
جعفرین محمد

جعفرین منصورالیمن، عالم و داعی اسماعیلی او اختر قرن سوم و اوایل قرن چهارم. از تاریخ تولد و وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما، چون کتاب تأویل الزکاة را احتمالاً در آخرین سال زندگی مُعیز الدین اللہ، خلیفہ فاطمی (متوفی ۳۶۵)، نوشته (د. اسلام، چاپ دوم، تکملة ۴-۳، ذیل ماده) احتمالاً پس از ۳۶۵ درگذشته است، در متابع اسماعیلی به زندگی او فقط اشاراتی شده است. جعفر فرزند نخستین داعی اسماعیلی در یمن، حسن بن فرج بن حوشب بن زادان کوفی مشهور به ابن حوشب و منصورالیمن^۵، بود (قاضی نعمان، ص. ۱؛ نیز ← قاضی عبدالجبارین احمد، ج. ۲، ص. ۳۷۷؛ الجامع فی اخبار القرامطة، ج. ۱، ص. ۲۹۷، بانویس ۴). ابن حوشب اهل کوفه بود (یمانی، ص. ۳۶۰؛ قاضی نعمان، همانجا) و در ۲۶۸ به یمن رفت (← یمانی، ص. ۳۶۱ و بانویس ۱؛ قاضی نعمان، ص. ۲۴-۲۵). پس از آنکه عیدالله المهدی، رهبر دعوت اسماعیلیه، در ۲۸۶ ادعای ایام کرد، ابن حوشب ادعای او را پذیرفت (د. اسلام، همانجا). در این زمان میان داعیان اسماعیلی یمن، ابن حوشب و همانجا. در این فضل افتاد و خلافت فاطمیان از جانب علی بن فضل انکار شد. از آن پس فاطمیان در یمن تنها از ابن حوشب حمایت می کردند (ادریس عmad الدین قرشی، ج. ۵، ص. ۴۰-۴۲). عیدالله المهدی پس از وفات ابن حوشب در ۳۰۲ (یمانی، ص. ۳۷۹)، عباس شاوری را جاشین او کرد. حسن، برادر جعفر، از حсадت شاوری را به قتل رساند. جعفر این عمل برادرش را خروج از مذهب تلقی کرد و در ۳۲۲ به مغرب، مرکز خلافت قائم باامر الله (حاکم ۳۲۲-۳۴۴) دو مین خلیفہ فاطمی، رفت (همان، ص. ۳۸۰-۳۷۹؛ نیز ← ایوانوف^۶، ۱۹۰۵، ص. ۱۴۶-۱۴۷). او علاوه بر قائم، دو خلیفہ فاطمی دیگر، یعنی

اولین قصيدة خطی در دیوانش، مضمونی تغزلی دارد که آن را در ۹۹۹ سروده و دیگر اشعار را بعد از سال ۱۰۰۰ گفته است (همان، ص. ۴۱). وی در جوانی به مدح امرا پرداخت. مدحیدی که برای وزیر بحرین، رکن الدین محمد (محمد بن نور الدین)، در عید غطر ۱۰۰۱ سروده است، از بهترین قصاید وی به شمار می آید (محبی، ج. ۳، ص. ۲۰۹؛ مدنی، ص. ۵۲۷). قصیده‌ای نیز در مدح امام رضا علیه السلام سروده و در رثای امام حسین علیه السلام و برخی سادات و علوبیان نیز قصایدی دارد (→ مدنی، ص. ۵۲۴؛ امین، ج. ۴، ص. ۱۵۷-۱۶۲، ۱۶۵). یک خصیره و قصایدی در وصف شیراز، حلو، خرما و ماهی نیز از او به جا مانده است (→ مدنی، ص. ۵۲۹؛ امین، ج. ۴، ص. ۱۶۸-۱۶۹). از دیگر موضوعات شعری او هجو، اعتذار، شکوه، عتاب، موضعه و مناجات است (→ امین، ج. ۴، ص. ۱۶۵-۱۶۸). دویتیهای نیز هم وزن دو بیتیهای فارسی دارد که آنها را در ۱۰۰۱ سروده است (→ همو، ج. ۴، ص. ۱۵۸).

بنابرخی متابع، خطی در ۱۰۲۸ در شیراز وفات یافت. عمر او را بین ۴۵ تا ۵۰ سال تخمین زده‌اند (→ مدنی، ص. ۵۲۴؛ تنوخی، مجله المجمع العلمی العربي، ج. ۸، ش. ۱، ص. ۴۱)؛ اما، آقابزرگ طهرانی (ج. ۹، قسم ۱، ص. ۳۶)، با ارائه دلایلی، تاریخ وفات او را ۱۰۴۰ یا بعد از آن ذکر کرده است. از خطی دیوان شعری به جا مانده است که مدت‌ها شهرت داشت و در زمان خودش، حسن بن محمد غنیه هنلی (شاعر قرن یازدهم) به دستور سید شریف جعفرین عبدالجبارین حسین، آن را جمع آوری کرد (مدنی، همانجا؛ امین، ج. ۴، ص. ۱۵۷). اولین نسخه دیوان را دوست شاعر، جعفرین عبدالجبارین حسین کتابت کرده است و قدیم‌ترین تاریخی که در پایان صفحه تقدیم دیوان ذکر شده است (تنوخی، مجله المجمع العلمی العربي، ج. ۸، ش. ۱، ص. ۳۸). محمدبن حسن حز عاملی دیوان او را دیده است (قسم ۲، ص. ۲، ص. ۵۵؛ برای نسخه‌های دیگر ← آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ تنوخی، همانجا؛ نیز ← تنوخی، مجله المجمع العلمی العربي، ج. ۸، ش. ۲، ص. ۹۰، ش. ۳، ص. ۱۶۱-۱۶۰). به گفته زرکلی (ج. ۲، ص. ۱۲۹) دیوان شاعر به چاپ رسیده است.

متابع: آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ علی بن حسن بحرانی، انوارالبلدین فی تراجم علماء القطبیف و الاحسان و البحرين، چاپ محمدعلی محمد رضا طبی، نجف ۱۳۷۷، چاپ افتت قم ۱۴۰۷؛ عزالدین تنوخی، «الادب فی البحرين»، مجله المجمع العلمی العربي، ج. ۸، ش. ۱ (رجب و شعبان ۱۳۴۶)، ش. ۲ (شعبان و رمضان ۱۳۴۶)، ش. ۳ (رمضان و شوال ۱۳۴۶)؛ محمدبن حسن حز عاملی، امل الامل، چاپ احمد حسین،

شیعیان دوازده امامی، می‌گذرد (نیز به ایوانوف، ۱۹۶۳، ص ۲۱)، لذا این بخش از کتاب در سال ۲۸۰ نوشته شده و نمی‌تواند متعلق به جعفر باشد، زیرا وی تا آن زمان زنده بوده، و احتمالاً این بخش بعدها به کتاب افزوده شده است. ایوانوف (همانجا) انتساب این کتاب را به جعفر تایید کرده و این دو کتاب را تحریر ابتدایی و نهایی یک کتاب و جعفرین منصور را نیز نویسنده حوش دانسته است. این نظر پذیرفته نیست، زیرا در تمام منابع مقدم، وی فرزند این حوش معرفی شده است. در سرائرالنطقاء، داستان ناطقان هفتگانه اسماعیلی، از قرآن نقل و تأویل شده است (پوناوالا، همانجا). در اسرارالنطقاء، بخشی به بررسی فرقه‌های شیعی پس از امام صادق علیه السلام اختصاص یافته است که این بخش در سرائر وجود ندارد (جعفرین منصورالیمن، ۱۴۰۴الف، ص ۲۶۴-۲۶۴؛ پوناوالا، همانجا). مصطفی غالب این دو کتاب را با عنوان سرائر و اسرارالنطقاء به صورت تلقیقی به حاچ رسانده، ولی اشاره نکرده که کتاب مورد نظر در اصل دو کتاب جداگانه بوده است. ترتیب کتابی که او چاپ کرده با آنچه پوناوالا ذکر کرده متفاوت است (→ جعفرین منصورالیمن، مقدمه، ص ۸؛ پوناوالا، ص ۷۵-۷۶).

اثر دیگر جعفر الشواهد و البیان فی الثبات مقام امیر المؤمنین و الانمة نام دارد که نسخه خطی آن به شماره ۱۸۴ در کتابخانه تیمورپاشا در دارالکتب المصرية، موجود است (حسن، ص ۱۴۰۴؛ پوناوالا، ص ۷۱-۷۲). در این کتاب تعدادی از آیات قرآن، که به اعتقاد نویسنده امامت علی علیه السلام و جانشینان وی را ثابت می‌کند، ذکر شده است (ایوانوف، ۱۹۶۳، همانجا). جعفر در این کتاب داستان تعدادی از انبیاء، از جمله ایوب و ابراهیم و موسی و شعیب علیهم السلام، را آورده و داستانها را به منظور اثبات تأویل الرکاۃ، کتاب دیگر جعفر، نیز به صورت خطی در کتابخانه دانشگاه لیدن موجود است (حسن، همانجا) و مضمون آن تأویل عرفانی آیات راجع به پرداخت زکات می‌باشد (مجدوع، ص ۴۶۰؛ ایوانوف، ۱۹۶۳، همانجا). ماسینیون تاریخ تأییف این کتاب را ۳۶۰ دانسته (→ حسن، همانجا)، اما به نظر هالم^۳ (د.اسلام، همانجا)، این کتاب احتمالاً در آخرین سال زنگی معز نوشته شده است.

کتاب دیگر جعفر، الفترات و القیرات است که به الجھرالأشود نیز شهرت دارد (ایوانوف، ۱۹۶۳، همانجا؛ حسن، ص ۴۸۵) و به صورت خطی باقی مانده است (ادریس عmadالدین فرشی، ج ۷، ص ۳۲۷، پانویس ۱). این کتاب به اعتقاد کراوس، به دلیل اشاره به طیبین عامر (زنده در ۵۲۴)،

منصور (حک: ۳۴۱-۳۴۲) و معزالدین اللہ (حک: ۳۶۵-۳۶۱)، را نیز درک کرد و نزد آنان جایگاهی رفیع یافت. از فعالیتهای جعفر اطلاع دقیقی در دست نیست. فقط اشعاری از او در ستایش خلفای فاطمی، هنگام پیروزی بر شورشیان یادشمندانشان، باقی مانده است (→ ادریس عmadالدین فرشی، ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۶، ۳۲۰-۳۲۹، ۳۲۰-۳۲۹، ۳۲۰-۳۲۹). ادریس عmadالدین فرشی، داعی یعنی، با نقل داستانی از مقام ارجمند جعفر نزد معز سخن گفته و حتی او را برتر از فقیه نامور اسماعیلی، قاضی نعمان (متوفی ۳۶۳)، دانسته است (→ ج ۶، ص ۵۰). پس از اینکه معز مصر را تصرف و پایتخت را به آنجا منتقل کرد، جعفر هم به مصر رفت و تا پایان عمر در آنجا ماند (حسن، ص ۴۸۶).

جعفر در کتابهایش به تأویل ساختنی قرآن و احکام فقهی پرداخته است (د.اسلام، همانجا). یکی از کتابهای منسوب به او کتاب الكشف است که مجموعه‌ای است از شش رساله شامل تأویل آیاتی از قرآن. این تأویلات، مباحث امامت، غصب حق علی علیه السلام و چگونگی قیام ناطق هفتم با عنوان مهدی و قائم را در بر دارد. برخی مطالبی که در این کتاب آمده، مانند اشاره به سسوخیه یا مسخ، کاملاً از ادبیات تفسیری نشست گرفته است و به احتمال بسیار تفسیریه^۴، یکی از فرقه‌های غالی، بعدها آن را تألیف کرده‌اند (→ جعفرین منصورالیمن، ۴، ص ۱۴۰؛ ۲۶، ۸۹). به نظر فرماد دفتری (ص ۱۲۵)، جعفر احتمالاً فقط جمع‌آورنده این کتاب بوده است، لکن چون در یکی از رساله‌های این کتاب از قائم بالله با عنوان امام قائم به سیف و ناطق عصر قائم بالله نام برده شده (جعفرین منصورالیمن، ۱۴۰؛ ۱۰۱-۱۰۰)، می‌توان توجه گرفت که دست کم این بخش کتاب در زمان جعفر به نگارش در آمده است. این کتاب را اشتروتمن،^۱ مستشرق آلمانی، در ۱۳۳۷ ش / ۱۹۵۸ در بخشی چاپ کرد که به دلیل شکایت داعی مستعلوی هند، طاهر سیف الدین، قبل از توزیع آن را تابود کردند (همان، مقدمه غالب، ص ۱۸).

کتاب دیگر جعفر، سرائر و اسرارالنطقاء است که از دو کتاب جداگانه سرائرالنطقاء و اسرارالنطقاء تشکیل شده است (مجبدوع، ص ۲۷۸). کتاب اسرارالنطقاء نسبت به سرائرالنطقاء اضافات و حدیثیات دارد. اسماعیل پونوالا^۲ (ص ۷۲) بر این اساس احتمال داده است که اسرارالنطقاء را بعدها فرد دیگری نوشته است. در سرائر و اسرارالنطقاء (جعفرین منصورالیمن، ص ۲۵۴) آمده است که در زمان تأییف کتاب، ۱۲۰ سال از وفات امام حسن عسکری علیه السلام (متوفی ۲۶۰)، امام یازدهم

جعفر بیگ

۴۱۹

(→ پوناوالا، ص ۷۲؛ ایوانوف، ۱۹۶۳، همانجا). جعفر کتابیای دیگری نیز داشته که متن آنها به دست ما نرسیده است. اسماعیل بن عبدالرسول مجدوع (ص ۱۵۳، ۱۹۰، ۲۸۰) و مصطفی غالب (جعفرین منصورالیمن، ۱۴۰۴، ب ۱۴۰۰، ص ۱۲) به این کتابها اشاره کرده‌اند.

منابع: ادريس عمادالدین قرشی، عيون الاخبار و فنون الآثار في فضائل الائمه الاطهار، ج ۵ چاپ مصطفی غالب، بيروت [?] ۱۹۷۵، ج ۶، چاپ مصطفی غالب، بيروت ۱۹۹۶/۱۴۱۶، ج ۷، چاپ احمد فؤاد يعن، لندن ۲۰۰۳، جعفرین منصور البیش، سرائر و اسرار النطقاء، چاپ مصطفی غالب، بيروت ۱۴۰۴ الف؛ همو، كتاب الكشف، چاپ مصطفی غالب، بيروت ۱۴۰۴ ب؛ حسن ابراهيم حسن، تاريخ الدولة الفاطمية في المغرب، مصر، و سوريا، و بلاد العرب، قاهره ۱۹۶۴؛ فرهاد دفتری، تاريخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فیدون بدره‌ای، تهران ۱۳۷۵ ش؛ الجامع في اخبار القراءة في الأحساء، الشام، العراق، اليمن، چاپ سهیل زکار، دمشق؛ دارحسان، ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ فاضی عبدالجلبارین احمد، تشییع دلائل النبوة، چاپ عبدالکریم عثمان، بيروت [?] ۱۹۶۶/۱۳۸۶؛ نعماان بن محمدقااضی نعماان، كتاب افتتاح الاجماعة، بيروت ۱۹۹۶؛ اسماعیل بن عبدالرسول مجدوع، فهرست الكتب والرسائل، چاپ عليقی متزوی، تهران ۱۳۴۴ ش؛ محمدبن مالکی یمانی، كتاب کشف اسرار الباطنة و اخبار القراءة، در الجامع في اخبار القراءة في الأحساء، الشام، العراق، اليمن، چاپ سهیل زکار، ج ۲، دمشق؛ دارحسان، ۱۹۸۷/۱۴۰۷.

*EP², suppl., fascs. 3-4, Leiden 1981, s.v. "Djā'far b. Mansūr Al-Yaman" (by H.Halm); V. Ivanov, *Ismaili literature: a bibliographical survey*, Tehran 1963; idem, *Studies in early Persian Ismailism*, Bombay 1955; Ismail K. Poonawala, *Biobibliography of Ismā'īlī literature*, Malibu, Calif. 1977.*

/ وحید صفری /

جعفر بیگ، دریا سالار (قپودان دریا) و امیر عثمانی. از او ایل زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. نخستین بار، به مناسب تعریف وی به مقام قپودانی و امارت سنجری / ولایت گلیبولی^۱ (گالیپولی^۲)، نام جعفرآقا (یا آنگونه که در فهرست «خاطرات» مارینو سانتو^۳ آمده: زفیرآقا^۴) در منابع ذکر شده است (→ جلالزاده، ستون ۲۸ الف؛ د. ا. د. ترک، ذیل "Câfer Bey" د. اسلام، چاپ دوم، ذیل ماده).

جعفر احتمالاً مسیحی زاده (دوشیرمه^۵) بود و در اندرونی کاخ عثمانی تربیت یافته بود (د. ا. د. ترک، همانجا). ابتدا به مقام قاپوآقاسی (حاجب) و سپس به دریاسالاری رسید. تصدی وی به این مقام نه در ۹۱۷ (→ سامی، ذیل ماده؛ ثریا، ج ۲،

تالیف جعفر نیست (→ همانجا؛ ایوانوف، ۱۹۶۳، همانجا). این نظر را پوناوالا (ص ۷۴) و هالم (د. اسلام، همانجا) رد کرده‌اند و پوناوالا (همانجا)، با بررسی نسخه خطی، دلیل این اشتباه کراوس را توضیح داده است. این کتاب حاوی برخی پیش‌گوییها و علوم غیری منسوب به امام علی است (پوناوالا، ص ۷۴-۷۳).

در برخی از این پیش‌بینیها، معز فاطمی، مهدی معرفی شده است (د. اسلام، همانجا).

کتاب الفرانس و حدودالدین یکی دیگر از کتب باقی مانده از جعفر است، شامل تأویل سوره‌های یوسف، کهف و بخشی از سوره نور (مجدوع، ص ۱۸۷-۱۸۸). اهمیت این کتاب از آن روست که مشتمل است بر نسبتname عبد‌الله مهدی که در نامه وی به اسماعیلیان یمن ذکر شده است. این نسبتname نسب عبد‌الله را به عبد‌الله بن جعفر می‌رساند (→ دفتری، ص ۱۲۸). کتاب دیگری به نام تأویل الفرانس موجود است که مطلب آن مشایه الفرانس و حدودالدین می‌باشد (→ ایوانوف، ۱۹۶۳، ص ۲۲؛ د. اسلام، همانجا). ایوانوف (۱۹۶۳، همانجا) احتمال داده که این دو کتاب نیز تحریر ابتدایی و نهایی یک کتاب باشند. در الرضاع فی الباطن، کتاب دیگر جعفر، به تأویل باطنی برخی از احکام شریعت، مائد نماز و روزه و حج، پرداخته شده است (مجدوع، ص ۱۳۸-۱۳۹). به گفته ایوانوف (۱۹۶۳، همانجا)، این کتاب به مراتب هفتگانه دعوت اسماعیلی اشاراتی دارد که معمولاً نویسنده‌گان اسماعیلی در باره آن سکوت کرده‌اند.

کتاب دیگر وی، کتاب العالم و الغلام، در باره آداب تعلیم و تعلم است. این کتاب را مصطفی غالب در ۱۴۰۳/۱۹۸۳ در بیروت در مجموعه‌ای به نام اربع کتب حقانیه (ص ۷۵-۷۶) به چاپ رسانده است. ایوانوف و پوناوالا انتساب این کتاب را به جعفر رد کرده‌اند، چراکه سبک نگارش کتاب (ایوانوف، ۱۹۵۵، ص ۶۱) و جهانبینی و آرای موجود در آن (پوناوالا، همانجا؛ ایوانوف، ۱۹۵۵، همانجا) را قدیمتر از زمان جعفر دانسته‌اند. در گزارش‌هایی، این کتاب به پدر جعفر نیز نسبت داده شده، اما ایوانوف، با همان ادله، این فرضیه را هم رد کرده است (→ ایوانوف، ۱۹۵۵، همانجا).

کتاب دیگر جعفر، سیره ابن حوشب، زندگینامه پدرش است که ادريس عمادالدین قرشی در عيون الاخبار از آن استفاده کرده است (→ ج ۶، ص ۵۱، ج ۷، ص ۳۲۶). متن این کتاب به صورت مستقل باقی نمانده است. کتابی به نام کتاب الادلة نیز به جعفر منسوب است که این کتاب معمولاً ضمن رسائل حمید الدین کرمانی نیز ذکر می‌شود